

# نقش احکام جزایی در ایجاد امنیت از دیدگاه قرآن

محمد قطبی  
مدیرکل زندان‌های استان قم



به منظور رشد و ترقی جامعه و مردم، نیازمند بستر مناسبی است که نخستین شرط آن در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، استقرار نظم و امنیت است.

وقتی در وضعیت اجتماعی ناامنی حاکم باشد، تجار و ثروتمندان در حوزه‌ی اقتصاد از سرمایه‌گذاری خودداری خواهند کرد و در کارهای علمی و فرهنگی اهل قلم و اندیشه، فعالیت لازم را نخواهند داشت و در اظهار نظر و عقیده، مردم راه کتمان و تقیه را در پیش خواهند گرفت و برخورد افکار، آرا و اندیشه‌ها دیگر معنایی نخواهد داشت. در یک چنین فضای آلوده و مسمومی، انسان‌های بی‌شخصیت و متملق، صحنه‌گردان جامعه می‌شوند و با نفاق و دورویی ارزش‌های مادی و معنوی جامعه و مردم را بازیچه‌ی امیال و خواسته‌های خود قرار می‌دهند.

نظم و امنیت اجتماعی و اعتماد و اطمینان عامه‌ی مردم نسبت به حفظ ارزش‌های ملی و مذهبی، از اساسی‌ترین و حساس‌ترین بخش‌ها و حوزه‌های امنیت و از جمله نیازهای اولیه‌ی جوامع بشری به حساب می‌آید، ضرورت حیاتی آن هنگامی درک می‌شود که انسان، پیامدهای ایجابی و سلبی آن را شناسایی کند.

حفظ جان، مال، ناموس و حیثیت انسان منوط به وجود امنیت و ثبات اجتماعی می‌باشد. اگر امنیت از جامعه‌ای رخت بر بندد و به جای آن هرج و مرج و ناامنی رواج پیدا کند به گونه‌ای که جان، مال و آبروی افراد در معرض خطر قرار گیرد، به طور قطع ادامه‌ی حیات، زندگی و پیشرفت در چنین محیط ناامنی امکان‌پذیر نخواهد بود.

افزون بر این، سرمایه‌گذاری، پیشرفت، تلاش و فعالیت

حضرت علی (ع) یکی از ویژگی‌های عصر جاهلیت را فقدان امنیت، به خصوص برای اندیشمندان و آگاهان جامعه بر شمرده و می‌فرماید: «جامعه‌ی جاهلیت، جامعه‌ای بود که اندیشمندان و آگاهان جامعه، دهانشان بسته و نادانان و انسان‌های بی‌هویت، مورد احترام بودند...»

علاوه بر آن استفاده از امکانات و نعمت‌های مادی و معنوی که خداوند در اختیار انسان‌ها قرار داده است، در سایه‌ی امنیت و آرامش اجتماعی، امکان‌پذیر خواهد بود. لذا اگر امنیت و آرامش در زندگی انسان وجود داشته باشد، استفاده از مواهب و نعمت‌های الهی و تلاش و فعالیت برای رفع نیازها و تامین مایحتاج زندگی، فراهم خواهد شد، ولی اگر شب و روز انسان در فضای آلوده به ترس، ناامنی و اضطراب سپری شود، استفاده از نعمت‌ها و لذایذ زندگی، شیرینی و حلاوتش را از دست خواهد داد، گرچه انسان در محیطی باشد که از نظر آب و هوا مساعد و

### قانون قصاص و اجرای آن برای

#### استقرار نظم و امنیت و بر طرف کردن

#### هرج و مرج از جامعه، جلوگیری از

#### توسعه و گسترش فساد و جنایت و ... و

#### عبرت‌گیری یکایک مردم وضع شده

#### است، نه برای انتقام‌گیری

از نظر رفاه و آسایش هم در وضع مطلوب به سر برد، اما، هیولای ترس، اضطراب و ناامنی، شرتک تلخ و ناگوارش را به کام همه خواهد پاشید. به همین خاطر، در جامعه و محیطی که ناامنی حاکم شود، افراد آن؛ از همه‌ی امکانات مادی و رفاهی خویش دست برمی‌دارند و در مکان امن با کمترین امکانات مادی و رفاهی زندگی می‌کنند.

حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: «پنج خصلت و ویژگی، اگر در زندگی انسان نباشد، لذت و شیرینی زندگی از بین خواهد رفت، و عقل و خرد از کار می‌افتد و دل را به خود مشغول می‌دارد که اولین ویژگی صحت و سلامتی و دومین ویژگی، نعمت امنیت و آرامش است...»

خلاصه آن‌که، نخستین شرط داشتن زندگی سالم اجتماعی استقرار نظم و امنیت اجتماعی است؛ نظم و امنیتی که در سایه‌ی آن، افراد جامعه در فعالیت‌های مشروع و قانونی خود، احساس کنند آزادی کامل دارند و از امکانات جامعه به طور یکسان برخوردارند و همه‌ی افراد بدون توجه به رنگ پوست، نژاد، ملیت و منزلت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خانوادگی در برابر قانون مساوی هستند.

حال، سخن را با این سوال پی می‌گیریم که: دین اسلام، برای ایجاد نظم و امنیت در جامعه، چه راهکارهایی را در نظر گرفته است؟

نظم و امنیت اجتماعی، جایگاه خاص و ویژه‌ای را در متن فرهنگ غنی اسلام، به خود اختصاص داده است. دین مقدس- اسلام برای ایجاد وضعیت مطلوبی که در پرتو آن، عامه‌ی مردم در تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی از آرامش و امنیت کامل برخوردار شوند، اصول و قوانینی برای جوامع بشری مطرح کرده است تا از یک سو، از درون، انسان‌ها را متحول و زمینه‌ی دستیابی به فضایل اخلاقی را فراهم کند، و از طرف دیگر بر ضد اراذل و اوباش و قانون شکنان که با اعمال و رفتار- غیرانسانی و غیر اخلاقی و قانونی خود امنیت و آرامش مردم را برهم می‌زنند و نظم عمومی را مختل می‌کنند، مبارزه‌ی جدی، دایمی و قاطعانه‌ای را سازماندهی کند.

دین اسلام در کنار اصل خودآگاهی، اصول و راهکارهایی را «به منظور پاک‌سازی جامعه از فساد و تبهکاری و مبارزه و پیکار با ریشه‌های ناامنی و ناهنجاری‌های اجتماعی» مورد توصیه و تاکید قرار داده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- اعلام مقررات از قبیل: اعتقاد قلبی، احکام عبادی و دستورهای اخلاقی، رعایت تقوا، عدالت و تعاون و همکاری منع از فساد، تجاوز و ستمگری ... و گنجاندن این امور زیر پوشش دستورات و قوانین الهی که سرپیچی و تخلف از آن‌ها خشم و غضب الهی و عذاب و آتش اخروی را به دنبال خواهد داشت. ناگفته پیداست که تهدید انسان‌های مجرم و تبهکار و قانون‌شکن به عذاب الهی، در واقع تعبیه‌ی یک نظام پلیسی نیرومند و مهارکننده در درون جان انسان‌هاست. نیروی قدرتمندی که در خلوت و در حضور مراقبت رفتار و گفتار انسان‌ها می‌باشد.

۲- طرح و برنامه‌های تربیتی که از دامن مادر و محیط خانواده شروع و محیط اجتماع و مراحل مختلف زندگی انسان را دربرمی‌گیرد. اصول و ارزش‌های تربیتی‌ای که اگر درست درک شود به طور قطع، جامعه‌ی بشری را به سوی ارزش‌های انسانی و اخلاقی و کمالات معنوی، رهنمون می‌نماید.

۳- ایجاد مسئولیت مشترک در قالب اصل امر به معروف و نهی از منکر و این که افراد جامعه در قبال حادثه‌ها و اتفاق‌هایی که در گوشه و کنار جامعه به وقع می‌پیوندند، مسئول هستند و تا جایی که برایشان مقدور و ممکن باشد، باید از لغزش‌ها و انحراف‌های یکدیگر پیشگیری کنند و همدیگر را به اعمال نیک و انسانی دعوت و از اعمال زشت و ناپسند و مجرمانه‌ای که فساد، هرج و مرج، ناامنی اجتماعی و قهر و غضب الهی را به دنبال دارد، نهی کنند و آنان را به وظایف دینی، اجتماعی و ملی‌شان آگاه و وادار کنند.

۴- وضع قوانین جزایی و کیفری که حاکم و حکومت اسلامی برای ایجاد نظم و امنیت و جلوگیری از هرج و مرج و ناامنی بدون

هیچ گونه تبعیض و تفاوتی به طور کامل باید اجرا کند، می شود گفت: آخرین راهکاری که دین مقدس اسلام برای استقرار نظم و امنیت، توسعه و گسترش آن و مبارزه با گرفتاری های اجتماعی و خشکاندن ریشه های ناامنی، بزهکاری و تبهکاری و مانند آن در نظر گرفته است، احکام جزایی و قوانین کیفری مثل قصاص، حدود و تعزیرات و ... می باشند.

### قصاص و امنیت

قصاص به معنای مقابله ی به مثل در جنایات عمومی و عمدی است. قصاص را به این دلیل قصاص می گویند که در تعقیب و به دنبال جنایت اولیه می باشد.

عزیزترین سرمایه ی انسان در زندگی دنیایی، حیات اوست. در قوانین اسلامی، ارزش حیات انسان با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست، تا جایی که جرم قتل و آدم کشی در ردیف گناهای چون شرک و کشتن یک انسان به منزله ی کشتن تمام انسان ها و هدایت و نجات یک انسان به منزله ی هدایت و نجات تمام انسان ها تلقی شده است. به جرأت می توان گفت: مقام منزلت و ارزشی که دین اسلام برای انسان ها و حیات آنان قایل شده است، در هیچ دین و مذهب دیگری دیده نمی شود.

دین مقدس اسلام برای آن که حیات و زندگی انسان را در مجرای طبیعی، پویا و پرتحرک آن به جریان در آورد، در کنار سایر اصول تربیتی و ضوابط دیگر، قانون قصاص را در نظر گرفته است و با تشریح و اجرای آن، حیات را برای جامعه ی انسانی به ارمغان آورده و عرصه ی زندگی را برای تاخت و تاز افراد مجرم، تبهکار و متخلف از قوانین و مقررات، که مانع آسایش و آرامش زندگی مردم می شوند، تنگ کرده است. لذا در جمله های کوتاه اما بسیار رسا و بلیغ و پرمعنا، فلسفه ی قانون قصاص را بیان داشته است که: «و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا اُولِي الالْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (سوره بقره آیه ۱۷۹)

درک و فهم قانون قصاص در آیه ی شریفه به صاحبان خرد و اندیشه واگذار شده است. ولی امام سجاد (ع) در بیانی بسیار زیبا آیه ی مبارکه را تفسیر و درک و فهم آن را سهل و آسان کرده است و می فرماید: «اگر فردی تصمیم بگیرد دیگری را به قتل رساند و از بین ببرد و از قانون قصاص و الزامی بودن آن اطلاع داشته باشد و بداند که در صورت ارتکاب قتل، خود او نیز به دست قانون می افتد و به کیفر عمل ننگین خود خواهد رسید، به طور قطع دست از قتل و آدم کشی برمی دارد و نتیجه اش این می شود که: کسی را که می خواسته است به قتل برساند، زنده می ماند و نیز خود فرد که تصمیم به ارتکاب به قتل داشته است، زنده می ماند و دیگر قصاص نمی شود، چون جرمی مرتکب نشده است تا کیفرش را ببیند و حیات بقیه ی افراد جامعه نیز بیمه و تضمین می شود زیرا انسان های جانی و تبهکار هر گاه متوجه قانون قصاص و ضرورت اجرای آن شوند، ترس و لرزه بر اندام و قامتشان مستولی می شود، دست از قتل و آدم کشی برمی دارند.

از حضرت علی (ع) نیز نقل شده است که: خداوند قصاص را

### حفظ جان، مال، ناموس و حیثیت انسان

منوط به وجود امنیت و ثبات اجتماعی

می باشد. اگر امنیت از جامعه ای

رخت بر بندد و به جای آن هرج و مرج و

ناامنی رواج پیدا کند به گونه ای که جان

مال و آبروی افراد در معرض خطر قرار

گیرد، به طور قطع ادامه ی حیات، زندگی و

پیشرفت در چنین محیط ناامنی

### امکان پذیر نخواهد بود



واجب کرده است تا جان مردم در امان باشد و خون آنان به ناحق بر زمین ریخته نشود. باز از آن حضرت نقل شده است که: سنگ را از همان جا که دشمن پرت کرده است، باز گردانید، که شر را به جز شر پاسخی نیست.

آنچه از مجموع آیات و روایات نتیجه می شود، این است که قانون قصاص و اجرای آن برای استقرار نظم و امنیت و برطرف کردن هرج و مرج از جامعه، جلوگیری از توسعه و گسترش فساد و جنایت و ... و عبرت گیری یکایک مردم وضع شده است، نه برای انتقام گیری. اجرای قصاص، نسبت به افراد جانی و تبهکار برای جلوگیری از جنایات و قتل های بعدی موثرترین راه و منطقی ترین روش است. وجود افراد جانی و تبهکار در اجتماعات انسانی بسان عضو فاسد و غده ی چرکین بدن است که اگر به موقع علاج نشود، امکان سرایت میکروب به بقیه ی اعضا نیز وجود دارد. پس، اگر طبیب و جراح حاذق از طریق دارو و درمان بتواند راه علاجی پیدا کند، اقدام خواهد کرد. اما اگر راه دیگری وجود نداشته باشد، جز جراحی و قطع عضو، یک لحظه هم درنگ نخواهد کرد.

حق قصاص و از بین بردن افراد شرور و تبهکار و پاک سازی جامعه از وجود ننگین آنان درست مانند جراحی غده ی چرکین است که فاسد شده است و قابل اصلاح و درمان نیست.

اما، با تمامی آثاری که در اجرای قانون قصاص وجود دارد، در قوانین اسلامی حق قصاص که برای اولیای مقتول در نظر گرفته شده است، حتمی و لازم الاجرا نیست، بلکه حقی است قابل تغییر و اسقاط. دین اسلام برای افرادی که بخواهند به مراتب عالی انسانی سیر و صعود کنند، مسیر را مشخص و راه را باز گذاشته است، در کنار حق قصاص، جنبه ی عفو و گذشت را هم توصیه و رونق داده است، لذا در آیه ی شریفه می خوانیم که: «ای افرادی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان بر

شده است، ولی تعزیر مجازات سبکتری است و اندازه‌ی آن منوط به رای و نظر حاکم شرع است، به گفته‌ی رافب: وجه تسمیه و نامگذاری «حد» زنا و «خمر» آن است که: اجرای حد مرتکبان را از ارتکاب مجدد باز دارد و دیگران نیز به خود آیند و برای این که مشمول قانون اجرای حدود الهی نشوند، دست و بالشان را جمع خواهند کرد و دنبال اعمال خلاف و غیر قانونی و جرم و جنایت نخواهند رفت.

### حدود در قرآن

اعمال و جرایمی که حدود آن‌ها در قرآن کریم ذکر شده است، عبارتند از: زنا، سرقت، کذب و محاربه.

### حد محاربه

در سوره‌ی «مائده» راجع به حد محاربه می‌خوانیم که: «کیفر آنان که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و به فساد در روی زمین اقدام می‌کنند (و با تهدید اسلحه به جان، مال و ناموس مردم

شما نوشته شده است، آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن. پس اگر به کسی از سوی برادر «دینی» خود چیزی بخشیده شود «حکم قصاص به دیه تبدیل گردد» باید از راه پسندیده پیروی کند «و صاحب خود، حال پرداخت‌کننده‌ی دیه را در نظر گیرد» و او «قاتل» نیز به نیکی دیه را پرداخت کند، این تخفیف و رحمتی است از جانب پروردگار شما»

در سوره‌ی شورا می‌خوانیم که: «جزای بدی، بدی است، با وجود این، هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست» پیامبر گرامی اسلام هم فرموده‌اند: «هر کس از خون بگذرد، ثوابی برای او نیست جز بهشت» و نیز ابابصیر از امام صادق (ع) درباره «فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ» سؤال می‌کند. حضرت در جواب می‌فرماید: یعنی اگر صدقه بدهد و از قاتل کمتر بگیرد به همان مقدار که عفو کرده از گناهانش می‌ریزد.

«عمل قصاص، تکرار جنایت قبلی است» یا «قصاص، ناشی از غریزه‌ی انتقام‌جویی است» یا «قانون قصاص، یادگار دوران

سبعیت و توحش است...» به خوبی روشن می‌شود، زیرا قصاص تکرار همان جنایت قبلی نیست، بلکه؛ در مبدأ و غایت، با جنایت اولی تفاوت دارد. قصاص، انتقام نیست، بلکه؛ برای ایجاد امنیت اجتماعی و حیات جمعی، نعمت ارزشمندی است، لذا مخاطب قرآن هم، جمع و جامعه است نه وارث «وَلَكُمْ فِي لِقَاصِ حَيَاةٍ».

قدمت یک اصل و قانون، دلیلی بر یادگار بودن دوران سبعیت و توحش نیست، بلکه هدف و انگیزه است که ارزش و جایگاه یک اصل و قانون را روشن و مشخص می‌کند، در اجرا و تشریح قانون قصاص، اگر غرض، برپایی عدالت اجتماعی و استقرار نظم و امنیت عمومی باشد، قانون است ممدوح و پسندیده و

تمدن‌ساز، هرچند به دوران گذشته ارتباط داشته باشد، درست است که گفته‌اند: «الرحمه فوق العدل» ولی نباید فراموش کرد که فضل و رحمت هرگز نمی‌تواند به اندازه‌ی اجرای عدالت درباره‌ی تثبیت امنیت و حفظ و پاسداری از مصالح و منافع عمومی، موثر واقع شود.

### حدود و امنیت

#### تعریف حد

در لغت، هر چیزی که بین دو چیز واسطه شده و از اختلاط آن‌ها جلوگیری کند، حد گفته می‌شود. جمع آن حدود است و در اصطلاح فقه و شرع، به کیفر و مجازات بدنی، که برای بعضی از اعمال و جرایم معین شده است، اطلاق می‌شود. فرق حدود با تعزیرات این است که در حد، مقدار کیفر و مجازات تعیین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

حمله می‌برند) این است که اعدام شوند، یا به دار آویخته شوند یا (چهار انگشت) از دست (راست) و پای (چپ) آنان، بر عکس یکدیگر، بریده شود و یا از سرزمین خود، تبعید شوند، این رسوایی آنان در دنیا است و در آخرت مجازات عظیمی دارند».

در آیه‌ی شریفه، خدا و رسول خدا (ص)، با هم ذکر شده است، مراد از دشمنی و محاربه، دشمنی خاصی است که علاوه بر خداوند، حضرت رسول اکرم (ص) نیز در آن دخالت دارد، لذا مراد از محاربه با خدا و رسول او، اعمال و رفتاری است که برگشت می‌کند به ابطال اثر چیزی که رسول خدا بر آن ولایت دارد، پس مراد از محاربه و افساد در زمین از طریق جنگ، دزدی و راهزنی و ... مصداق پیدا می‌کند و امنیت و آرامش عمومی را خدشه‌دار می‌نماید. محاربه و افساد در زمین هنگامی باعث ایجاد

خوف و ناامنی عمومی می شود که مردم با اسلحه، تهدید به قتل و سرقت اموال و تجاوز به عرض و ناموس شان بشود.

از حضرت امام رضا (ع) در تفسیر آیه نقل شده است: «آن که با خدا و رسولش محاربه کند و در گسترش فساد در زمین بکوشد برای مثال: کسی را به قتل برساند، به همان جرم کشته می شود و اگر هم، «بکشد» و هم، مالی را بدزدد، هم کشته می شود و هم، به دار آویخته می شود و اگر مال را بدزدد ولی کسی را نکشد، فقط دست و پایش، به طور عکس قطع و اگر شمشیر بکشد و به محاربه با خدا و رسول خدا برخیزد و فساد هم در زمین بگستراند، ولی نه کسی را بکشد و نه مالی را بدزدد، از آن شهر تبعید می شود».

### حد سارق

«دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که مرتکب شده اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید و خداوند، توانا و حکیم است» «نکال» در متن آیه، به معنای عقوبتی است که به جرم می دهند تا از جرایم خود، دست بردارد و دیگران هم با دیدن آن عبرت بگیرند. از امام صادق (ع) نقل شده است که: «وقتی دزد دستگیر و وسط کف دستش، قطع شود، اگر دوباره دزدی کند پایش نیز از وسط قطع می شود و اگر بار سوم باز دزدی کرد به حبس ابد محکوم می شود، در صورتی که در زندان نیز مرتکب دزدی شود، کشته خواهد شد».

### «حد زنا»

از جمله شهوات که در طبیعت انسان، قرار داده شده و اغلب باعث جرم و جنایت و ناامنی و شاید نزاع و خونریزی می شود، شهوت جنسی است. شهوت جنسی به آتش زیر خاکستری می ماند که اگر درست جهت نیابد و مهار نشود، هر لحظه امکان دارد فردی، خانواده ای و یا جامعه ای را طعمه ی خویش قرار دهد و نابود کند. در بعضی از آیات قرآن، عمل شنیع زنا، در کنار گناهانی چون: شرک به خدا و قتل نفس آمده است، که این خود شدت جرم زنا را می رساند، لذا در سوره ی مبارکه ی فرقان می خوانیم که: «... و (بندگان خاص خداوند) کسانی هستند که معبود دیگری با خداوند نمی خوانند و انسانی که خداوند خویش را حرام شمرده است، جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند، هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد داشت».

در سوره ی مبارکه ی اسراء، ابتدا منعی از کشتن فرزندان، به خاطر ترس از گرسنگی شده است، یک آیه بعد هم، منعی از کشتن انسان های بی گناه بیان شده و در وسط این دو آیه، آیه ی منعی از عمل ننگین زنا آمده است که: «و نزدیک زنا نشوید» که کار بسیار زشت و بد راهی است.

### اجرای حد زنا و امنیت اجتماعی

دین مقدس اسلام، راه های مشروع و قانونی را برای ارضای مهار غرایز جنسی در نظر گرفته است تا بتواند آرامش و آسایش فردی

و اجتماعی را تامین و دغدغه و نگرانی روحی و روانی غیرتمندان عقیف و پاکدامن را مرتفع کند، آخرین راهکار دین مقدس اسلام در این حوزه، اجرای حد زنا می باشد.

حد زنا که بهترین وسیله و موثرترین روش بازدارنده از جرم و جنایت است. حدی است که نیکان را عزیز و محترم و مجرمان و جنایتکاران را رسوا و تادیب می کند و امنیت و آرامش را در جامعه می گستراند، دست های آلوده و کثیف را از حریم عفاف مردم قطع و کوتاه می کند. در سوره ی مبارکه ی نور می خوانیم: «هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رفت (محبت کاذب) نسبت به آن دو، شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، و باید گروهی از مومنان مجازاتشان را مشاهده کنند.»

این که قرآن کریم می گوید: باید عده ای از مومنان، هنگام اجرای حد حضور یابند و از نزدیک جریان را مشاهده کنند، برای این است که از یک طرف شخص مجرم، چهره ی کثیفش روشن و عرصه ی زندگی در اجتماع برایش تنگ شود تا از ارتکاب مجدد خودداری کند. از طرفی دیگر، دیگران نیز دست و پای خود را جمع کنند و هوس فحشا و منکرات نکنند وگرنه به چنگ قانون افتاده و رسوای خاص و عام خواهند شد.

اجرای حدود، که در متون اسلامی فراوان مورد تاکید قرار گرفته است از یک نظر، موثرترین وسیله ای است برای ایجاد امنیت و آرامش اجتماعی، اگر دست جانی بزهکار قطع شود، بقیه ی دست ها، هوس دزدی نخواهند کرد، ولی اگر دست سارق قطع نشود، هر روز بر تعداد آنان افزوده می شود و زندگی اجتماعی به جهنمی غیر قابل تحمل تبدیل خواهد شد. اگر افراد زناکار، قاذف شارب خمر و ختکر و ... حدود و تعزیرات اسلامی را در تعقیب خود، احساس کنند، دست از اعمال ننگین خود، برمی دارند و یا به کمترین، اکتفا خواهند کرد، اما در صورتی که حدود و تعزیرات اسلامی، تعطیل شود، افراد تبهکار و جانی، بدون ترس و وحشت زندگی را به کام مردم تلخ خواهند کرد.

### اجرای حدود و حیات واقعی

هنگامی که از امام کاظم (ع) راجع به تفسیر آیه ی شریفه ی «یَحیی الارض بعد موتها» سؤال می شود که، مراد از احیای زمین چیست؟ و با چه چیزی احیا می شود؟ امام در جواب می فرماید: «زنده شدن زمین به این نیست که باران بیارد و آب در نهرا جاری شود و دشت ها سبز و خرم شود و درخت ها شکوفه بدهد، بلکه؛ حیات واقعی در روی زمین، آن وقت تحقق پیدا می کند که خداوند برای هدایت مردم، مردانی را مبعوث و آنان، عدالت را در جامعه حاکم کنند و با حاکمیت عدالت و ارزش های الهی روی زمین آباد می شود و انسان ها روی سعادت و خوشبختی را خواهند دید. آگاه باشید که عملی شدن و اجرای حدود الهی در روی زمین، از چهل روز بارش باران بیشتر به حال مردم سودمند است.»

منابع: قرآن مجید و احکام و احادیث